

آقای فرمانده

روایت راویان از کارنامه افتخارآمیز
رندار شهید عباس شعبی

نویسنده:

زینب رمضانی

کنگره می ۲۰۰۰ شهید استان خراسان جنوبی

موسسه مردم نهاد آیه های استقامت خراسان جنوبی

دبیرخانه هماهنگی و نظارت بر کانون های فرهنگی هنری مساجد خراسان جنوبی

فهرست

۱۵	مقدمه
۱۹	فصل اول: از کودکی تا ازدواج
۲۱	قول برارهای کودکی
۲۳	در خدمت خانواده
۲۵	خدمت به مادر
۲۶	محرّم راز
۲۸	جلودار همت
۲۹	دوچرخه
۳۰	احترام به والدین
۳۲	کوزه‌ی آب
۳۵	موهبت الهی
۳۶	رمز جاودانگی
۳۸	امر به معروف
۳۹	خانه‌ی مشترک
۴۰	گشت‌های شبانه
۴۱	هدیه
۴۳	آشپزی
۴۵	فصل دوم: قبل از انقلاب اسلامی
۴۷	معاف از سربازی
۴۸	کسب تکلیف
۵۱	تلاش بی‌نتیجه
۵۲	دستگیری
۵۳	پاره کردن عکس شاه

۵۶	شکست چماقی به دستان
۵۸	پل ارتباطی انقلابیون
۵۹	هم‌گام با عباس
۶۰	تشکیل گروه
۶۳	جلسات شبانه
۶۴	ساخت کوکتل مولوتف
۶۷	جری اقدامات انقلابی
۶۹	شکستن قاب عکس شاه و فرح
۷۱	دو ابروی عباس
۷۲	شر جوانی
۷۵	فصل سوم: ران ددع مقدس
۷۷	فصل جدید رزمی عباس
۸۱	اولین‌ها
۸۲	نامه
۸۳	نخ ریزی
۸۴	تعهد کاری
۸۵	خانه‌ای برای دوست
۸۷	نظافت آسایشگاه
۸۸	جبران زحمات
۹۰	فداکاری
۹۱	مربی تاکتیک
۹۵	بعداً به این جمع خواهید پیوست
۹۷	رویای صادقانه
۹۹	شایعه‌ی شهادت عباس
۱۰۰	بدهکار
۱۰۱	حساسیت به بیت المال
۱۰۳	مانور آزادی قدس

۱۰۴	 حال خوش عباس
۱۰۵	 صبور
۱۰۶	 فرماندهی رزمنده
۱۰۷	 مشوق مداحی
۱۰۹	 شال گرین پشمی
۱۱۱	 آخرین مفارش
۱۱۳	 فرمانده نیروهان کمیل
۱۱۵	 فصل چهارم: با عشایر
۱۱۷	 آقای فرمانده
۱۱۸	 نفوذ کلام
۱۲۲	 مخالفت با حضور در جبهه
۱۲۳	 فرمانده آمد
۱۲۵	 رزم شبانه
۱۲۶	 آدرس اشتباهی
۱۲۸	 صد جلسه روشنگری
۱۲۹	 محبوب عشایر
۱۳۱	 الگوی عشایر
۱۳۲	 از جنس عشایر
۱۳۶	 بی تکلف
۱۳۸	 بزرگ‌ترین کاروان کمک عشایر به جبهه
۱۴۰	 افتتاح پایگاه بسیج
۱۴۲	 سازماندهی عشایر
۱۴۳	 دعا برای شهادت
۱۴۵	 فصل پنجم: شهادت
۱۴۷	 آخرین اعزام
۱۴۸	 ترک اولی
۱۴۹	 خدمت به مادر

۱۵۰	مفید برای کشور
۱۵۱	ناراحتی عباس در آخرین اعزام
۱۵۳	عکس شهادت
۱۵۴	در فراغ دوست
۱۵۷	پرواز سه دوست به فاصله ۴۷ روز
۱۵۹	شفاعت رفاقتی
۱۶۰	خرین قول
۱۶۲	خدا و خانه خدا
۱۶۴	زیارت گونه
۱۶۵	ساعت آخر
۱۶۷	شیرینی شهادت
۱۶۸	قول شفاعت
۱۷۰	آخرین زیارت عسکرا
۱۷۱	بهترین
۱۷۴	ضد هوایی
۱۷۵	خبر شهادت
۱۷۶	وداع آخر
۱۷۷	مزار شهدا
۱۸۱	در ارتفاعات
۱۸۲	۱۴ روز تا برگشت عباس بد خانه
۱۸۴	تشییع باشکوه
۱۸۵	راه بلد
۱۸۶	لنگه کفش
۱۸۸	عشایر کلانته پدران در تشییع
۱۸۹	دعا برای شهادت
۱۹۰	حرکت ۱۲ خودرو برای شرکت تشییع
۱۹۱	قاب عکس پدر

۱۹۳	مردم‌نار
۱۹۴	عکاسی از مراسم تشییع
۱۹۵	انتخاب اسم
۱۹۷	فصل ششم: نامه‌ها و وصیت نامه‌ها
۲۲۷	فصل هفتم (تصاویر)
۲۵۳	عارف عربی
۲۵۵	فهرست منابع

www.ketab.ir

مقدمه

از دوران نوجوانی و جوانی، هرگاه که در ورودی گسک قدم می گذاشتم، نگاه سرشار از سخن سپید «عبدالله شعیبی» در تابلوی ورودی روستا مرا به فکر فرو می برد. با نثار صلوات و فاتحه دای خود می کردم اما سوال ایجاد شده در ذهنم همیشه بی پاسخ می ماند «شهادت والای مقام گسک و مردم این روستا در پیروزی انقلاب و هشت سال جنگ تحریفی است بوده؟».

آنچه که سینه به سینه نقل شده است، جوانان گسک رسیده چیزی جز پیشگام بودن مردم این روستا در جریان پیروزی انقلاب و داوطلب بودن آنها برای حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل از هشتاد و نه ماه های نخست جنگ نبوده است؛ موضوعی که آیت الله سیدعلیرضا عبادی نماینده معزز ولی فقیه در خراسان جنوبی در چهارم مرداد ۱۳۹۷ با حضورشان در منزل شهید شعیبی و دیدار با خانواده این شهید بر آن تاکید نمودند: «گسک جز اولین مکان هایی بوده است که قبل از انقلاب در ابرز گداشت اشهادت حاج مصطفی رحیمی، در حالی که هنوز در نقاط دیگر خبری نبود، پیشرو بوده است». اما منصفانه در طول این سال ها هیچ اقدامی برای جمع آوری و ثبت این رشادت ها نشده است.

برگزاری کنکوره ملی ۲۰۰۰ شهید خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۷، زمینه جمع آوری خاطرات بسیاری از شهدا و رزمندگانی که در طول این سال ها به هر دلیلی مغفول مانده بود، را فراهم کرد ولی استخراج، ثبت و ضبط این اسناد

شفاهی از بایگانی ذهن بسیاری از رزمندگان و همزمان شهدا بعد از گذشت ۳۰ سال از جنگ کاری به عایت سخت بود.

در این میان، با پیشنهاد و اعتماد جناب آقای معتمدی مدیرعامل موسسه مردم نهاد آینده‌های استقامت خراسان جنوبی کار جمع‌آوری خاطرات شهید عباس شعبی که از بزرگ‌های تاریخ رزم شهرستان درمیان و بسیج عشایری خراسان جنوبی است، درست زمانی که مشغول جمع‌آوری خاطرات یکی از رزمنده‌های بیرجند بودم، به من سپرده شد. با تشویق و همراهی استاد بزرگوارم خانم دکتر «مریم صانعی» پذیرفتم گرچه به خاطر این‌که هیچ تجربه‌ای در این زمینه نداشتیم و زمان تحویل کار هم بسیار کوتاه بود، نگران بودم که نتوانم آنچنان‌که باید این مسئولیت را به سرانجام مقصود برسانم.

پسر بزرگ شهید، مجموعه اطلاعاتی شامل «عکس‌ها، نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، برخی خاطرات مکتوب، خاطره دوستان و حتی فیلم و نوارهای صوتی» که در طول این سال‌ها توسط نهاد بسیج و تلف جمع‌آوری شده بود، را از مشهد مقدس برایم ارسال کرد که مطالعه‌ی این هدایا، فکری مرا به دنبال داشت اما دریافتم که راه طولانی را در پیش دارم.

به سراغ تک تک اعضای خانواده، دوستان و همزمان شهید رفتم و بسیاری از آنها، خاطرات غبارگرفته کوجه پس کوجه، بی‌ذهن خود را بازگو کردند. در روز مصاحبه با برادر شهید، بازدید از زادگاه و منزل پدری شهید شعبی داشتم که ذهنم را با فضای آن دوران همراه کرد.

در روزهای گرم ماه مبارک رمضان کار به کندی پیش می‌رفت و بسیاری از همزمان و دوستان شهید، مصاحبه را به بعد از ماه مبارک موکول می‌کردند و برخی به دلیل گذر سال‌های زیاد، از انجام مصاحبه سرباز می‌زدند. اما این روزها فرصت مناسبی بود برای تهیه یک لیست ۶۰ نفره از شماره تماس افرادی که با

این شهید در ارتباط بودند و خاطراتی از وی در گوشه‌ی ذهن خود داشتند. در طول این مدت بعد از پایان کار اداری، به صورت فشرده مصاحبه‌ها انجام می‌شد. گاه ضبط خاطرات تا ساعت ۲۳ به طول می‌انجامید و در تمام این مدت، همسر عزیزم، برادران خوب و خواهران مهربانم، گام به گام مرا همراهی می‌کردند.

در روزهایی که از ساعات آغازین صبح تا پاسی گذشته از شب مشغول نوشتن این کار بودم، سعی در لحظه لحظه راهپیمایی‌ها، مهاجرت‌ها، دوران مجروحیت، رفت و آمد به مناطق عشایری و حتی لحظه‌ی خداحافظی آخرین اعزام و عملیات کربلای ۵ با شهید شعیبی همراه بودم.

بدون شک، رشادت‌ها و خدمات شهید شعیبی بیش از این بوده است اما آنچه در پیش روی شما مخاطب گرامی قرار دارد تلاشی است که مدت زمان کوتاه تابستان ۱۳۹۷ با همراهی بسیاری از بزرگان به سرانجام رسید که به رسم ادب و وظیفه، قدردان همراهی بی‌منت آن‌ها برای همیشه خاهم بود.

سیاسگزارم از؛

همسر صبور و فرزندان شهید که هر فرصتی، با روح خون‌پذیرا و قدم به قدم همراهم بودند.

از خانواده خود و خانواده همسر به ویژه مادر دریا دل و پدر بزرگوارم که در طول روزهای ضبط مصاحبه‌ها و نگارش کتاب، مراقبت از فرزند را برعهده داشتند و شرایطی مساعدی را برای انجام کارم فراهم نمودند.

از همسر فداکارم که گام به گام در ضبط خاطرات و تدوین بخش‌های مختلف کتاب همراه و همدل بود و کاستی‌های مرا در انجام وظیفه مادری و امور خانه، نادیده گرفت.

از همکاران بزرگوارم؛ آقای محمود علیزاده و خانم فاطمه زهرا قاسمی که

بیان نظرات ارزنده خود، ویرایش خط به خط و حتی پیشنهاد نام برای این کتاب دریغ نمودند.

و قدر دانم:

از اساتید بزرگوار، آقای دکتر حسین زنگویی که فصل به فصل با ارائه نظرات کارشناسی مرا یاری نمودند؛ آقای دکتر قنبری که با بازبینی مطالب جمع‌آوری شده، در بهبود کیفیت این کار موثر بودند و حجت‌الاسلام ابراهیم سبزه‌کار مسئول دبیرخانه کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان که در چاپ کتاب، پیگیر و همدل بودند.

و اما

کتاب «آقای فرمانده» ثمره‌ی بهترین لحظات زندگی من از آشنایی با شهیدی است که نتوانم در این خودم بوده اما متأسفانه هیچ‌گاه فرصتی برای شناختش پیدا نکردم. در روزهای که هنوز کتاب در مرحله بازبینی قرار داشت، به یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای من کی‌ام «افتخار خادمی حرم مطهر امام رئوف» که سال‌ها چشم انتظارش بودم، آن هم درست در یازدهم شهریور ماه مصادف با سالروز شهادت شهید شعبانی رسید که این هدیه را لطفی از جانب خداوند و نشانه‌ای بزرگ از سوی شهید دانستم.

امیدوارم اوراق این کتاب بتواند کوشه‌ای از زحمات یکی از جوانان رشید گسک را که به خاطر اسلام و انقلاب، جوانی و جانش را فدا کرد، زنده نگه دارد. ان شاء الله.

زینب رضائی

بیرجند - تابستان ۱۳۹۷